



این بار گفت‌وگوی من با یک خانم از جنس دیگری است. قرار بود درباره ورزش کشتی با هم صحبت کنیم. باید خود را آماده می‌کردم که اگر صحبت از مباحث فنی شد آمادگی داشته باشم. اما چون در دوران نوجوانی سابقه کشتی‌گیری در «باشگاه بدر» اهواز را با حضور مربیانی همچون «چوپان» و «آزاد کرده» داشتم راهی خرمشهر شدم تا به دیدار «مریم نعمت‌پور» سکاندار ورزش کشتی و تربیت بدنی در خرمشهر بروم.

با هماهنگی خانم «سپیده فتحی» و با همراهی «اسدالله ابراهیمی» به منزل خانم مریم نعمت‌پور رفتم تا پای سخنان ایشان بشنوم. اصلا فکر نمی‌کردم که با یک خانمی تا این حد منظم، با دقت و بسیار شیرین سخن مواجه بشوم.

در گفت‌وگویی که با ایشان داشتم متوجه شدم که مریم نعمت‌پور سکاندار ورزش کشتی و تربیت بدنی در خرمشهر بود. ایشان البته متولد ۲۲ بهمن ۱۳۱۲ است و در روزهای آینده باید نودسالگی او را جشن گرفت. مریم نعمت‌پور، متولد خرمشهر و بچه لب شط و محله صبی‌هاست. نیمچه لهجه بندری او، این همنشینی را بسیار جذاب کرد. مریم نعمت‌پور پس گذراندن دوران تحصیل ابتدایی در دبستان جزایری و دبیرستان ایراندخت، کارمند بانک پارس (ملت فعلی) شد. با وقوع انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی با ۲۲ سال سابقه کار در بانک بازنشسته شد.

در زمان جنگ دو سال به تهران می‌رود. سپس به دعوت یکی از دوستان کشتی‌گیر یعنی «مضان خدر» راهی یکی از روستاهای ساری شده و آنجا ساکن می‌شود.

البته در طول جنگ به خرمشهر هم می‌آمد و با اینکه خرمشهر درگیر جنگ بود و بسیاری مهاجرت کرده بودند اما کار فوتبال بچه‌هایی که در خرمشهر ساکن بودند را دنبال می‌کرد. وقتی می‌خواست مصاحبه را با او شروع کنم با تسمی دلنشین گفت: «پسر ما من که دیگه میراث ورزشی شدم چرا می‌خواهی مصاحبه کنی، بهتره با بچه‌هایی که همه کشتی‌گیران خوبی بودن مصاحبه کنی.»

برای مریم نعمت‌پور ورود به حیطه مدیریت ورزشی با علاقه به تماشای فوتبال شروع شد. در مدتی که ساکن تهران شده بود بیشتر مواقع در ورزشگاه امجدیه دیده می‌شد. در تهران یک همسایه کشتی‌گیر به نام «اکبر حیدری» داشت که در المپیک هم شرکت کرده بود. به واسطه ایشان وارد سالن کشتی شد و با بزرگان کشتی از جمله نصیری و پهلوان تختی سلام و علیک پیدا کرد. آقای خسروانی که رئیس فدراسیون کشتی ایران بود مدام می‌گفت تو سرقفلی ما در کشتی هستی. او که به سالن کشتی می‌رفت میزان تماشای‌ها از جمله خانم‌ها بیشتر شده بود. از مریم نعمت‌پور پرسیدم که وقتی به

گفت‌وگو با «مریم نعمت‌پور» سکاندار ورزش کشتی و تربیت بدنی در خرمشهر دهه چهل



مدال خود را گردن من می‌انداختند. کشتی که تمام شد برای گشت و گذار به آبادان رفتم. این تیم دو روز در خرمشهر بودند. مجدداً از مریم نعمت‌پور پرسیدم که بعد از بازگشت تیم تهران به پایتخت، آیا مجدداً به ورزشگاه و دور تشک کشتی برگشت که ایشان گفت: «بعد از دو روز یک دعوت‌نامه از خانه جوانان شیر و خورشید خرمشهر به دستم رسید. آقای شکوهی‌نیا مسئول خانه جوانان نسبت به تربیت بدنی پیش دستی کرد و از من خواست که مسئول تیم کشتی بشوم. کلی حرف زدیم و قبول کردیم. چند روز بعد تربیت بدنی یک نامه برای من ارسال کرد و خواهان حضور من در جلسه شد. من راهی تربیت بدنی شدم. آنجا رئیس کشتی خرمشهر مسئولیت اداره بندر خرمشهر را هم بر عهده داشت. ایشان خطاب به رئیس تربیت بدنی خرمشهر گفت من واقعا مشغله زیادی دارم و امکانش نیست که بخوام با هیات کشتی خرمشهر ادامه همکاری بدهم. در نهایت از من خواست که مسئولیت کشتی خرمشهر را بر عهده بگیرم که پذیرفتم. همزمان مسئولیت کشتی خانه جوانان و تربیت بدنی را بر عهده داشتم. بلافاصله خبرنگار کیهان با من یک مصاحبه کرد و عکس بزرگی هم در صفحه نخست روزنامه از من منتشر کرد. به مرور تیریک‌ها شروع شد. از جمله مدیر عامل بانک پیغام تبریک فرستاد.»

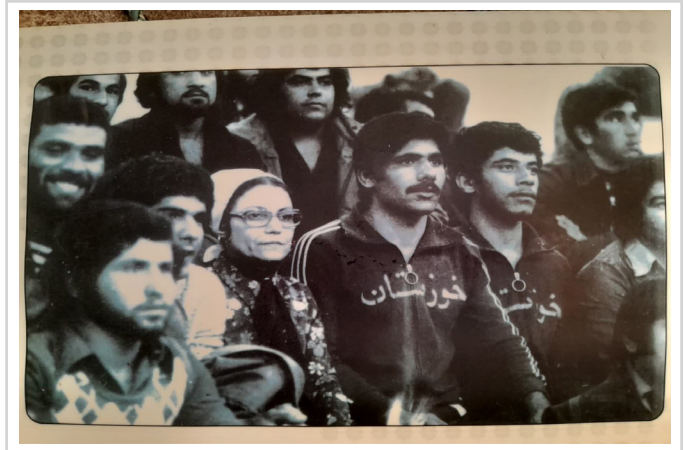
از مریم نعمت‌پور پرسیدم که سکانداری او در حوزه ورزش چه مدت طول کشید که ایشان یادآور شد: «حضور در عرصه مدیریت ورزشی حدود هفت تا هشت سال طول کشید. خیلی جنب و جوش داشتم. تلاش می‌کردم که کشتی‌گیران موفق باشند. در سطح مسابقات استانی و کشوری حضور داشتیم و در نهایت موفقیت‌های خوبی کسب می‌کردیم. گاهی از این شهر به آن شهر

برای مسابقه راهی که می‌شدیم و بلافاصله به خرمشهر بر می‌گشتم. یک شب ساعت چهار صبح برگشتم و یکی از خبرنگاران مرا در خیابان دید و گفت این ساعت کجا بودی و من به ایشان همان موقع گزارش می‌دادم که در کدام شهر مسابقه داشتیم. البته مدتی هم مدیر ورزش ناشنویان بودم. شوربختانه زمان جنگ کلیه حکم‌ها و عکس‌ها آسیب دیدند. این تعداد عکس هم که دارم توسط دوستان مختلف در اختیارم قرار گرفت.»

از مریم نعمت‌پور پرسیدم که در زمان فعالیت ورزشی خودش آیا به یاد دارد که خانم دیگری هم مسئولیت هیات ورزشی را بر عهده داشته باشد که ایشان افزود: «تا زمانی که من یادمه هیچ خانمی را در کشور ندیدم که در آن زمان رئیس هیات کشتی بوده باشد. وقتی عکس من به عنوان مدیر ورزشی در رسانه‌های آن موقع منتشر شد خیلی‌ها تعجب کردند. همکاری من در خرمشهر با برخی هیات‌های دیگر به گونه‌ای بود که حتی یک‌بار تیم کشتی اهواز را به مسابقات کشوری در رشت بردم.»

مریم نعمت‌پور در خصوص اینکه آیا حضور در میدانه مردانه‌ای مثل کشتی با مخالفت خانواده‌اش همراه بود یا خیر گفت: «خانواده‌ام مشوقم بودند. حمایت آنها مرا دلگرم می‌کرد. اینقدر در جمع مردانه بودم و البته آقایان حرمت نگه می‌داشتند که به هیچ وجه ناراحت نبودم. البته اگر سختی‌هایی هم وجود داشت عادت کرده بودم.»

از این مدیر ورزشی سابق پرسیدم که آیا بر روی تشک، کشتی هم گرفته است که او تأکید کرد: «خیر من کشتی‌گیر نبودم. اما گاهی از کنار تشک، کشتی‌گیران را به اجرای فنون مورد نیاز توصیه می‌کردم. البته به اجرای فن‌ها تسلط داشتم مثل انواع بار انداز، سالتو، پیچ پیچک، زیر دو خم، کنده، فیتیله پیچ، سنگ، اشکل گربه، فیتو و... زن



بودن من موجب نشد که اجازه دهم که نگاه سلطه‌گرایانه بر سر من باشد. من به همه احترام می‌گذاشتم لذا احترام هم می‌دیدم. واقعا حضورم برای ورزشکاران دلگرم‌کننده بود.

از مریم نعمت‌پور درخواست کردم که نام برخی کشتی‌گیران قدیمی را اگر به یاد دارد بگوید و او اشاره کرد: «از خرمشهر نام برخی کشتی‌گیران قدیمی مثل ابوالقاسم چگنی، رسول کلهر، سلیمانی، جلیلیان، حسین تمیمی، علی موسوی، مجید خیاط زاده، حسین فارسی‌مدان، رضایی، ذوالقدر، قیصری، عرض پیملا، صحبتی و زربافان را به یاد دارم. از کشتی‌گیران اهوازی خسرو کیانی، و گرشاسبی، از کشتی‌گیران آبادانی شهاب ایراندوست و غلامرضا حاج مومن، از کشتی‌گیران دزفول هم احمد فیلی‌پور، رحیم قصاب و غلامرضا قصاب یاد می‌آید. در آن سال‌ها تربیت بدنی آبادان از من خواست که رئیس هیات وزنه‌برداری باشم، اما قبول نکردم. چون در کمیته‌های مختلف ورزشی عضو بودم. اما وقت نداشتم که مسئولیت دیگری قبول کنم. البته من در سال‌هایی که تهران بودم آخر هفته‌ها در تهران به کوهنوردی می‌رفتم. در ورزش هم علاقمند تیم‌های خوزستانی هستم و بیشتر فوتبال و کشتی را رصد می‌کنم.»

از این پیشکسوت ورزش که البته سال ۱۳۹۱ به عنوان پیشکسوت ورزش از او تجلیل شد پرسیدم که آیا از ورزش درآمدی هم داشته است که بیان کرد: «از ورزش حقوق نداشتم. فعالیت‌ها افتخاری بود. تازه از حقوق کارمندی خود هم کمک می‌کردم. البته آن موقع ورزشکاران مثل الان بدبخت و بیچاره نبودند. آن موقع تاجر خرمشهری و بازاریان کمک می‌کردند.»

از مریم نعمت‌پور درخواست می‌کنم تا خاطره‌ای برای ما تعریف کند: «یک بار رئیس خانه جوانان ایران از محل تمرین کشتی‌گیران خرمشهر بازدید کرد. وضعیت تشک برزنتی سالن را دید. از من خواست که در تهران ایشان را ببینم. مدتی بعد به دیدن او رفتم. از من خواست که به چهارزاه یوسف‌آباد بروم و تشک ببینم و فاکتور بگیرم و ببارم. یک تشک به قیمت ۲۵ هزار تومان دیدم. وقتی به خانه جوانان برگشتم و فاکتور را نشان دادم، ایشان به من چک داد و رفتم تشک را خرید کردم. دو نفر هم از خدمه خانه جوانان به کمک آمدند تا بتوانم تشک را به خرمشهر منتقل کنم.»



از ایشان می‌پرسم که جواد عزیزی کی بود: «از کشتی‌گیران خرمشهری بود. ایشون موقعی که خرمشهر فتح شد و نیروهای دشمن را سرنگون کردن، شعر «ممد نبود، ببینی، شهر آزاد گشته...» سرود که حس حماسی داشت. ارتباط جواد عزیزی با شهید «جهان آرا» و تأثیری که از این فرمانده جنگ گرفته بود قلمش را به سرودن این شعر حرکت داد. ابتدا شعر را به حسین فخری از مداحان داد و آنرا در مراسم مدیحه سرایی خواند. پس از این، شعر به غلامعلی کویتی‌پور داده شد و این ذاکر هم با آن نوای حماسی و ماندگارش شعر ممد نبودی را ماندگار کرد.»